



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



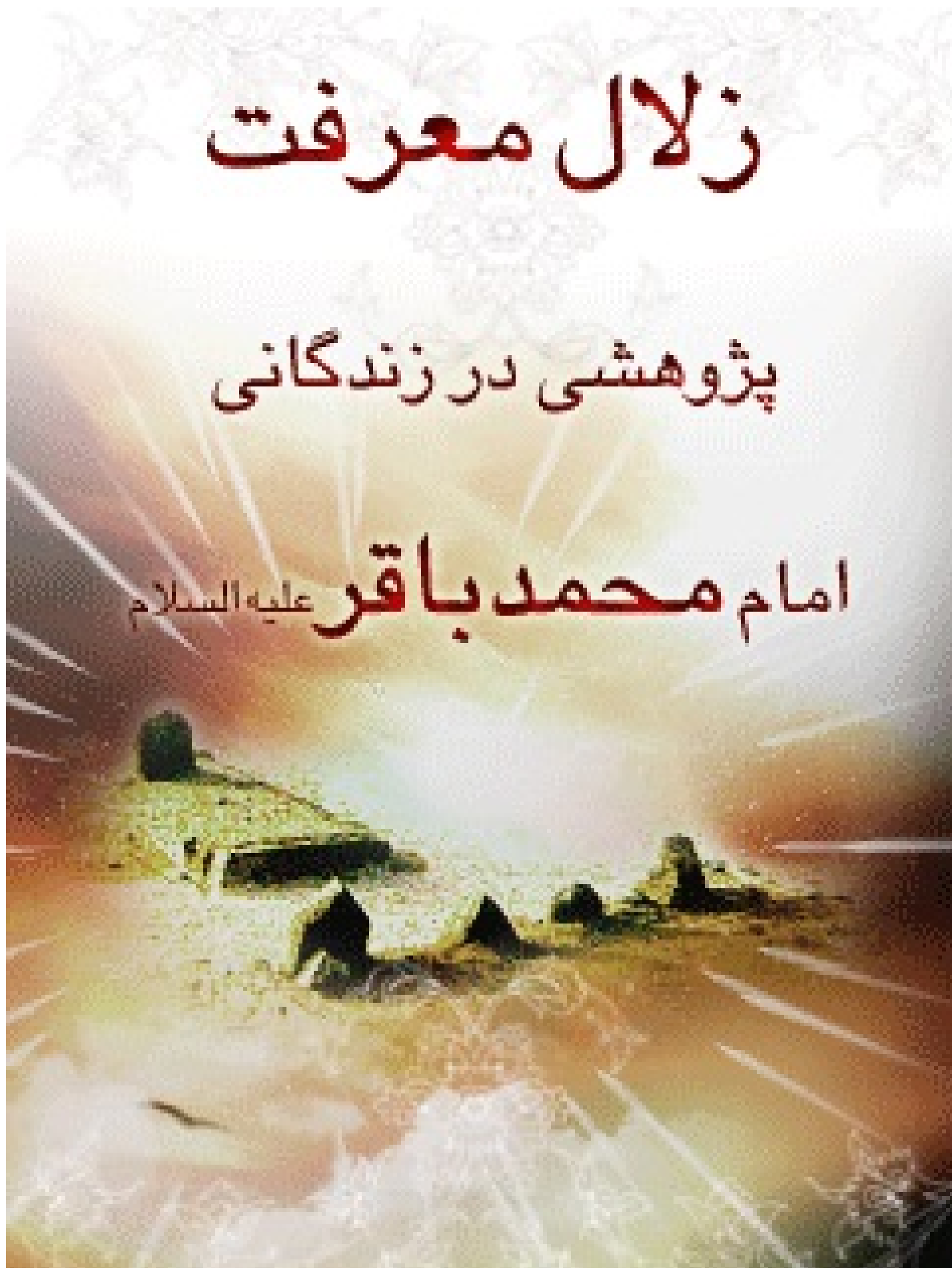
الحق احسن البصم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

زالال معرفت

پژوهشی در زندگانی

امام محمد باقر علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زالال معرفت (پژوهشی در زندگانی امام محمد باقر علیه السلام)

نویسنده:

محمد باقر طاهری

ناشر چاپی:

گلستان ادب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	زالال معرفت (پژوهشی در زندگانی امام محمد باقر علیه السلام)
۸	مشخصات کتاب
۸	پیش سخن
۱۲	مختصری از زندگی نامه امام باقر علیه السلام
۱۲	اشاره
۱۳	خاندان امام باقر
۱۴	شأن و مقام امام علیه السلام از زبان خود
۱۵	نصوص امامت امام باقر علیه السلام
۱۵	اشاره
۱۶	نام و کنیه و القاب امام باقر
۱۸	امام باقر علیه السلام احیاگر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۲۲	سیره امام باقر علیه السلام
۲۲	زندگانی علمی امام باقر
۲۲	اشاره
۲۶	تربیت شاگردان
۲۶	اشاره
۲۷	جابر بن یزید جعفی
۲۸	محمد بن مسلم
۲۹	زراره بن اعین
۳۰	حمران بن اعین
۳۰	ابان بن تغلب
۳۱	برید بن معاویه عجلی
۳۱	مبارزه های علمی و نمونه هایی از معارف امام باقر

۳۱ اشاره
۳۲ موضع گیری علیه عقاید و افکار خوارج
۳۵ موضع گیری علیه توهمات جبریه
۳۷ زندگی عبادی امام باقر
۳۷ عبادت
۳۸ دعاها و نیایش ها
۳۹ جلوه های کمال در وجود امام باقر
۳۹ هیبت
۴۰ رفتار با دوستان و مردم
۴۱ مهمانی دادن
۴۱ کسب و کار
۴۱ سخاوت و بخشش
۴۱ حلم و صبر و شکیبایی امام باقر
۴۲ زندگانی سیاسی آن حضرت (معاصر بودن با چند تن از خلفای اموی و مروانی)
۴۲ خلفای پیش از امامت امام باقر
۴۳ خلفای معاصر با دوران امامت آن حضرت
۴۳ اشاره
۴۳ ولید بن عبدالملک
۴۳ سلیمان بن عبدالملک
۴۴ عمر بن عبدالعزیز
۴۴ یزید بن عبدالملک
۴۴ هشام بن عبدالملک
۴۵ شهادت امام باقر علیه السلام
۴۷ گزیده ای از روایات امام باقر علیه السلام
۴۹ نام چند کتاب درباره امام باقر علیه السلام
۴۹ کتاب های چاپی عربی

۴۹ کتابهای چاپی فارسی

۵۱ پاورقی

۶۴ درباره مرکز

زالال معرفت (پژوهشی در زندگانی امام محمد باقر علیه السلام)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: زالال معرفت: پژوهشی در زندگانی امام محمد باقر(ع) / طاهری، محمد باقر

مشخصات نشر: قم: گلستان ادب، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ص ۶۴

شابک: ۹۶۴-۷۵۱۵-۲۲-۷-۳۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۷۵۱۵-۲۲-۷-۳۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: عنوان روی جلد: پژوهشی در زندگانی امام محمد باقر علیه السلام زالال معرفت .

یادداشت: کتابنامه: ص [۶۲] - ۶۴

عنوان روی جلد: پژوهشی در زندگانی امام محمد باقر علیه السلام زالال معرفت .

عنوان دیگر: پژوهشی در زندگانی امام محمد باقر علیه السلام زالال معرفت

موضوع: محمد بن علی (ع)، امام پنجم، ۱۱۴ - ۱۵۷ق. -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره: BP۴۴ / ط ۲ ز ۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۵۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۴۳۴۷

پیش سخن

از روایاتی که از طریق محدثان شیعه و سنی نقل شده است، به روشنی بر می آید که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از دوازده جانشین خود خبر داده است. مسلم از جابر بن سمره نقل می کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

لا يزال الاسلام عزيزا إلی اثني عشر خليفه.

عزت اسلام به دوازده جانشین بستگی دارد.

در این جا ذکر گفتاری از یکی از دانشمندان اهل سنت شنیدنی است که می گوید:

مقصود پیامبر از این دوازده خلیفه همان امامان دوازده گانه از اهل بیت اویند؛ زیرا شمار خلفای راشدین از دوازده کم تر است و نیز پادشاهان اموی شمارشان از دوازده کم تر است و همگی جز عمر بن عبدالعزیز عناصری ظالم و ستمگر بوده اند. گذشته از این، پیامبر در برخی روایات فرموده است، این دوازده نفر از دودمان هاشموند در حالی که خلفای بنی امیه از تیره امیه هستند. و نیز نمی توان این دوازده خلیفه را به خلفای عباسی دانست، چون تعداد آن ها از دوازده نفر بیش

تر است و آنان همواره با نزدیکان پیامبر در جنگ و ستیز بودند. ناگزیر مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از دوازده خلیفه همان عترت و اهل بیت اوست؛ کسانی که داناترین، پارساترین با فضیلت ترین مردم عصر خویش بوده اند و علوم خویش را سینه به سینه از طریق پدران خود از پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته بودند. [۱].

آری اینان راهنمایان راستین بشریت بوده و هستند و پیامبر گرامی اسلام به دو رکن رکن سفارش فراوان فرمود: قرآن و عترت و آنچه امروز از مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و علمی داریم، سرچشمه اش روی گردانی از قرآن و عترت است.

اینک جوامع اسلامی بر اثر دوری از تعالیم حیات بخش قرآن و عترت مانند تهیدست و بیچاره ای می ماند که گرسنه و ناتوان بر روی گنج ها از پای افتاده است. گروهی به جای فهم صحیح قرآن و عمل به آن، به ظواهرش قناعت کرده و شماری دیگر به جای کسب معرفت و روش دینداری از عترت و فرا گرفتن دستورهای آن بزرگواران به تعریف و تمجید تنها بسنده کرده اند. برای نشان دادن این که چگونه با پیروی از اهل بیت می توان جامعه را از امنیت و عدالت و عزت و اقتدار دینی و اقتصادی و ارزش های معنوی و اخلاقی برخوردار ساخت، نخست باید با زندگی آنان آشنا شویم. مجموعه حاضر قطره ای از دریای زندگی پر بار امام باقر علیه السلام است.

دوران امامت آن حضرت از دشوارترین دوره های زندگانی سیاسی امامان علیهم السلام به شمار می رود. امام باقر علیه السلام با پنج تن

از خلفای بنی امیه، که هر یکی از دیگری (جز عمر بن عبدالعزیز) در بیدادگری و ظلم و جنایت و ... گوی سبقت را ربوده بود، معاصر بوده است.

آنان از محبوبیت امام باقر علیه السلام در میان مردم به دلیل سجایای اخلاقی و علمی و معنوی اش بیم داشته و همواره در پی فشارهای گوناگون و مزاحمت ها برای آن حضرت بوده اند و حتی گاه برخی خویشاوندان حضرت باقر علیه السلام را علیه آن حضرت تحریک می کردند و امام باقر علیه السلام از سوی برخی خویشاوندانش مانند زید بن حسن [۲] و ابو هشام [۳] فرزند محمد حنفیه نیز آزار دیده است.

چون به زندگانی امامان شیعه پیش از امام باقر علیه السلام باز می نگریم، در می یابیم که آنان جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام نتوانسته اند اندیشه و فرهنگ اسلام را بی پرده به مردم معرفی کنند. از این رو، حق در پس پرده ماند، ولی امام باقر علیه السلام در شرایطی قرار گرفت که توانست نهضت فرهنگی عظیمی پدید آورد و در زمینه های تفسیر، فقه، کلام، اخلاق، تاریخ و ... شاگردانی بزرگ همانند جابر بن یزید جعفی، محمد بن مسلم، زراره و ... پرورش دهد و مبارزه هایی پی گیر و مداوم علیه انحرافات فکری از جمله خوارج، غلات و اصحاب قیاس سامان بخشد که این روند را فرزند گرامی اش تکمیل کرد و مکتبی را بنیان نهاد که بعدها به مکتب جعفری شهرت یافت اگر این را مکتب باقری نیز بنامیم سخنی دور از واقعیت نگفته ایم، چرا که علوم اهل بیت را همین مکتب حفظ کرده است که

نتیجه تلاش بیش از نیم قرن دو امام بزرگ شیعه است.

این کتاب قطره ای از دریای موج و خروشان پر فیض و برکت آن امام همام است که به محضر حضرتش تقدیم می گردد.

مختصری از زندگی نامه امام باقر علیه السلام

اشاره

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سال ۵۷ هجری در شهر مدینه چشم به جهان گشود. [۱۶] این نقل را روایاتی که دلالت بر این دارد که امام محمد باقر علیه السلام به هنگام شهادت جد بزرگوارش در کربلا حضور داشته و سه سال از عمر مبارکش می گذشته، سازگار است.

در روز و ماه و ولادت آن حضرت مانند سال ولادت، نقل های مختلفی ذکر شده است: در برخی نقل ها اول رجب سال ۵۷ هجری [۱۷] و در برخی دیگر سوم [۱۵] و پنجم [۱۶] صفر سال ۵۷ هجری آمده است، اما سوم صفر سال ۵۷ هجری از نظر محققین ترجیح دارد. [۱۷].

در سال شهادت امام باقر علیه السلام آراء مختلفی هست: بعضی آن را روز هفتم ماه ذی الحجه سال ۱۱۴ [۱۵] می دانند و برخی دیگر سال ۱۱۷ [۱۶] و ۱۱۸ [۱۷] و ۱۱۶ [۱۵] هجری ذکر نموده اند، ولی در بیش تر منابع سال ۱۱۴ هجری روایت شده است. [۱۶].

منابع روایی و تاریخی علت شهادت آن حضرت را مسمومیت دانسته اند [۱۷] به وسیله زین آغشته به سم به صورتی که بدن مبارک از شدت تأثیر سم به سرعت ورم کرده و سبب شهادت امام باقر علیه السلام شده است. [۱۵].

امام باقر علیه السلام این چنین مظلومانه شهید شد و در بقیع، کنار مرقد پدر بزرگوارش اما سجاد علیه السلام مدفون گردید. [۱۶] آن امام همام

علیه السلام حدود ۱۹ سال پس از شهادت پدر در مقام امامت بود. [۱۷].

خاندان امام باقر

امام باقر علیه السلام از سویی به شجره نبوت وصل است. جد بزرگش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است و جد اش خدیجه کبری سلام الله علیها و فاطمه سلام الله علیها است. از تقارن رسالت و امامت، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و حضرت علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پا به عرصه وجود نهادند که هر یک خورشیدی عالم تابند و نیازی به وصف ندارند و امام زین العابدین علیه السلام در زمان پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام با دختر عموی خود فاطمه سلام الله علیها ازدواج نمود که در شأن و جایگاه به حدی است که امام صادق علیه السلام درباره او می فرماید: «زنی راستگو و صدیقه است و هیچ زنی در شایستگی و فضیلت به پایه او نمی رسد.» [۱۸] در نقلی دیگر فرموده است: «در خاندان امام حسن مجتبی علیه السلام مثل او دیده نشده است.» [۱۹].

مادر آن بزرگوار را زنی مستجاب الدعوه خوانده اند و از نمونه های نفوذ دعای او امام باقر علیه السلام فرموده است که روزی مادرم کنار دیواری نشسته بود، ناگهان دیوار ریزش کرد و در معرض ویرانی قرار گرفت. مادرم دست بر سینه دیوار نهاد و گفت: «به حق مصطفی صلی الله علیه و آله سوگند، اجازه فرو ریختن نداری.» دیوار بر جای خود ماند تا مادرم از آن جا دور شد. سپس فرو ریخت. [۲۰].

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ان الباقر علیه السلام هاشمی من هاشمیین و

علوی من علویین و فاطمی من فاطمیین، لانه اول من اجتمعت له ولاده الحسن و الحسین علیه السلام و کانت امه ام عبدالله، بنت الحسن بن علی. [۲۱].

امام باقر علیه السلام از تبار هاشمی و علوی و فاطمی است. او از رشته امامت دو امام پدید آمده، که در نهایت به رسول الله صلی الله علیه و آله می رسد.

شأن و مقام امام علیه السلام از زبان خود

امام باقر علیه السلام فرموده است:

ان الله تعالی خلق اربعة عشر نوراً من نور عظمته، قبل خلق آدم بأربعة عشر الف عام فیه ارواحنا. [۲۲].

خداوند پیش از آفرینش حضرت آدم به مدت چهارده هزار سال از نور عظمت خود چهارده نور آفرید که ارواح ما معصومین از آن است.

و هم می فرماید:

نخستین آفرینش او این بود که محمد صلی الله علیه و آله را آفرید و همه ی ما اهل بیت را با او از نور عظمتش خلق کرد. سپس بهشت و جهنم را ... پس ما نخستین آفریده خداوندیم و نخستین خلقی هستیم که خدای را عبادت و او را تسبیح و تنزیه کرده است و ما سبب آفرینش و عامل تسبیح و تنزیه خداوند و عبادت او هستیم. [۲۳].

و باز می فرماید:

خداوند ما را در برترین رتبه ها و درجات آفرید و دل های شیعیان ما را از آن چیزی آفریده که ما آفریده شده ایم و بدن آن ها را از چیزی دیگر خلق کرد و از این رو، دلهاشان هوای ما را می کنند؛ زیرا خلق شده است از آنچه که ما خلق شده ایم. [۲۴].

همچنین می فرماید:

به خدای سوگند، ما خزانه داران خدا در آسمان و زمین هستیم، نه خزانه

داران طلا و نقره او، بلکه خزانه دار علم او. [۲۵].

و باز می فرماید:

ما اهل بیت از علم خدا دانا شدیم و از حکم و فرمان او دستور گرفتیم و از قول راست و درست حقایق را شنیدیم و اگر از ما پیروی کنید هدایت می یابید. [۲۶].

و می فرماید:

ما اسمای حسناى خداوندیم. خدای عمل هیچ بنده ای را نمی پذیرد مگر در سایه معرفت ما و به خدای سوگند، همان کلماتی هستیم که خدای آن را به آدم القا کرد و خدای بر او بازگشت و توبه اش را پذیرفت. [۲۷].

نصوص امامت امام باقر علیه السلام

اشاره

شیعیان و سنن روایت فراوانی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که جانشینان پیامبر دوازده نفرند و یکی بعد از دیگری خواهند آمد و در بسیاری از آن ها اسمای دوازده نفر ذکر گردیده که اول آن حضرت علی علیه السلام و پایانش حضرت مهدی علیه السلام است و نام امام محمد باقر علیه السلام را در میان این اسمای و در ردیف پنجم می بینیم. [۲۸].

در اخبار اهل سنت آمده است که فرمود: «پس از من دوازده امیر می آیند که همه آن ها از قریشند.» و در برخی به جای «امیر» کلمه «خلیفه» آمده است.

طبیعی است که آن ها از بنی امیه نیستند؛ زیرا اولاً شمار آن ها دوازده نفر نیست و ثانیاً آن ها در موقعیتی نیستند که در خور خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله باشند.

تصریحات و نصوص فراوانی من جمله از خداوند متعال در معراج بلا واسطه، در لوح محفوظ، از انبیای متقدم و ائمه علیهم السلام و ... بر

امامت امام باقر علیه السلام به خصوص دلالت دارند. [۲۹].

نام و کنیه و القاب امام باقر

آن حضرت در مدینه متولد گردید و امام سجاد بر گوش راستش اذان و بر گوش چپش اقامه خواند و نامش را محمد نهاد. کنیه آن حضرت ابو جعفر [۳۰] است و نوشته اند که جز این، کنیه دیگری برایش ذکر نشده است و در کتب روایی ما معروف به ابو جعفر اول است [۳۱] و امام جواد معروف به ابو جعفر ثانی.

القاب شریف امام باقر علیه السلام که بر شخصیت والای آن امام نیز دلالت دارند، عبارتند از:

رافع؛ یعنی کسی که مقام علم و دانش را رفعت داده است؛

امین، برای امانتداری در همه چیز؛

شبیبه، برای شباهت او به رسول خدا صلی الله علیه و آله؛

صابر، صبر و پایداری اش در برابر مشکلات؛

هادی، زیرا همواره اهل ارشاد و هدایت بود؛

شاکر، زیرا همواره شاکر و سپاسگزار خداوند بود؛

ذاکر، برای این که همیشه ذکر خدا بر لب داشت؛

و باقر چون شکافنده علوم بود.

از معروف ترین القاب آن امام همام، لقب باقر است که آن حضرت شکافنده گره های ناگشودنی علوم بود.

امام باقر علیه السلام و فرزندش امام صادق علیه السلام از باب تغلیب به لقب «باقرین» و یا «صادقین» ملقب هستند. [۳۲].

«تبقیر» به معنای گسترش علم و مال است: التبقیر، التوسع فی العلم و المال. [۳۳] جابر بن عبدالله انصاری، که از یاران بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و علاقمندان خاص آن بزرگوار بود، می گوید: روزی پیامبر اسلام به من فرمود: «پس از من کسی از خاندانم را خواهی دید که اسمش اسم من و قیافه اش شبیه قیافه من خواهد بود. او درهای دانش

را به روی مردم خواهد گشود.» پیامبر علیه السلام این پیشگویی را هنگامی فرمود که هنوز امام باقر علیه السلام چشم به جهان نگشوده بود. سال ها گذشت. روزی جابر از کوچه های مدینه می گذشت که چشمش به حضرت باقر علیه السلام افتاد. نشانه هایی که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده بود عیناً در او یافت. نامش را پرسید. گفت: «اسم من محمد بن علی بن الحسین است.» جابر بر پیشانی اش بوسه زد و گفت: جدت پیامبر به تو سلام می رساند.» جابر از آن تاریخ به پاس احترام پیامبر صلی الله علیه و آله و عظمت امام باقر علیه السلام هر روز دو بار به دیدار آن حضرت می رفت و در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله پیشگویی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را نقل می کرد. [۳۴].

ماجرای دیدار جابر با امام باقر علیه السلام در روایات مختلف با مضمون های مشابه نقل شده است. در بعضی دارد که جابر امام باقر علیه السلام را در یکی از کوچه های مدینه دیده است، و در بعضی در خانه امام چهارم، و بعضی این که امام باقر علیه السلام نزد جابر رفته و باز در بعضی روایات تصریح شده است که جابر در آن هنگام نابینا شده بود و در برخی آمده که جابر با دقت قیافه امام باقر علیه السلام را نگاه کرد. روشن است که این موضوع با نابینایی جابر سازگار نیست.

در پاسخ این تناقض باید گفت که جابر به دلیل اخلاص و ارادت خاصی که به خاندان پیامبر داشت، پیشگویی و ابلاغ سلام پیامبر صلی

الله علیه و آله را تکرار می کرد و می خواست از این طریق عظمت امام باقر علیه السلام بهتر روشن گردد. بنابراین اشکالی ندارد که این جریان چند بار و در محل ها و مناسبت های مختلف تکرار شده باشد.

ثانیاً شاید آن دسته از روایات که حاکی از دیدن و نگاه کردن جابر است. مربوط به قبل از نابینایی او بوده باشد؛ چنان که شیخ مفید از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: نزد جابر بن عبدالله انصاری رفتم و به او سلام کردم. پاسخ سلام مرا داد و پرسید کی هستی این بعد از نابینایی او بود. [۳۵].

امام باقر علیه السلام احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

درست در سال های امامت امام باقر علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارش، یعنی سالهای ۱۱۴ - ۹۴ ق. زمان پیدایش مشرب های فقهی و نقل حدیث درباره تفسیر بود. از علمای اهل سنت کسانی مانند ابن شهاب زهری، مکحول، قتاده، هشام بن عروه و ... در زمینه نقل حدیث و ارائه فتوا فعالیت می کردند. وابستگی عالمانی مانند زهری، ابراهیم نخعی، ابو الزناد، رجاء بن حیه که همگی کم و بیش به دستگاه حاکمیت اموی وابستگی داشتند، ضرورت احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را به دور از شایبه تحریف عمدی خلفا و علمای وابسته مطرح می کرد.

با نگاهی به فراوانی روایات نقل شده در این دوران و شهرت علم فقه در میان محدثان این زمان، می توان گفت که علم فقه نزد اهل سنت از این دوره به بعد وارد مرحله تدوین خود شده است. فروکش شدن تنش های سیاسی پس از حادثه کربلا و شکست خوردن و از

میان رفتن ابن زبیر و یکپارچه شدن حاکمیت مروانیان، به ناچار بسیاری از علما را از صحنه سیاست دور کرد و به حوزه درس و حدیث سوق داد و آن‌ها را واداشت که به شکلی، اختلاف روایات را حل کنند و قوای فقهی برای مردم ارائه دهند. نخستین بار در سال ۱۰۰ هجری عمر بن عبدالعزیز فرمان تدوین احادیث را خطاب به ابوبکر بن حزم صادر کرد. [۳۶].

این خود بهترین شاهد است بر آغاز تکاپوی فرهنگی اهل سنت در آغاز قرن دوم، مقارن با دوران امامت امام باقر علیه السلام از این رو، امام احساس کرد که می‌بایست با ابراز و اشاعه نظریه های فقهی اهل بیت علیهم السلام در برابر انحرافات که به دلایل مختلفی در احادیث اهل سنت رسوخ کرده بود، موضع گیری نماید. نظریه های فقه شیعه گرچه تا آن زمان به گونه محدود و در حد اذان، تقیه، نماز میت و ... روشن شده بود، با ظهور امام باقر علیه السلام قدم مهمی در این میان برداشته شد و یک جنبش فرهنگی تحسین برانگیزی در میان شیعه پدید آمد. در این عصر بود که شیعه تدوین فرهنگ خود شامل فقه و تفسیر و اخلاق را آغاز کرد. پیش از آن در جامعه اسلامی، فقه و احادیث فقهی به طور کامل مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته بود. جلوگیری از تدوین حدیث، که به دستور خلیفه اول و دوم انجام گرفت، از عوامل عمده انزوای فقه بود؛ فقهی که دست کم هشتاد درصد آن متکی به احادیث روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله بود. ذهبی از ابوبکر

نقل می کند که گفت:

فلا تحدثوا عن رسول الله صلى الله عليه و آله شيئا، فمن ساء لكم فقولوا: بيننا و بينكم كتاب الله فاستحلوا حلاله و حرموا حرامه. [۳۷].

از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی نقل نکنید و در جواب کسانی که از شما درباره حکم مسئله ای پرس و جو می کنند، بگویید: کتاب خدا (قرآن) میان ما و شما است، حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمارید.

در این باره از عمر نیز چنین نقل شده:

اقلوا الروایه عن رسول الله و انا شریککم. [۳۸].

از رسول خدا صلی الله علیه و آله کم تر حدیث نقل کنید که در این کار من هم شما را همراهی می کنم.

و از معاویه نقل می کنند که گفت:

علیکم من الحدیث بما کان فی عهد عمر فانه کان قد اخاف الناس فی الحدیث عن رسول الله صلى الله عليه و آله. [۳۹].

به روایاتی که در عهد عمر از رسول خدا روایت شده است اکتفا کنید، زیرا عمر مردم را در مورد نقل حدیث از پیامبر بر حذر می داشت.

بی خبری مردم زمانی به اوج خود رسید که فتوحات اسلام آغاز گردید. زمامداران و مردم به طوری مشغول کشور گشایی و امور نظامی و مسائل مالی و ... شدند که فعالیت علمی و تربیت دینی به هیچ وجه جلب توجه نمی کرد. [۴۰].

در زمان امام باقر علیه السلام جهان تسنن تازه به نقل احادیث و تدوین آن رو آورده بود و بیم آن می رفت که احادیث از تحریف تحریف گران و وابستگان حکومت وقت مصون نماند و در اثر برخورد فرهنگ و معارف اسلامی با فلسفه و

عقاید و آرای فلاسفه و دانشمندان یونان و روم، شبهات و اشکالات فراوانی در میان دانشمندان پدیدار شد. [۴۱].

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که خود از اهل بیت و نماینده مکتب آنان بودند اهل بیتی که باب علم رسول خدا هستند دانشگاهی را گشودند و در آن دانشگاه شاگردانی را پروراندند و این شاگردان هر یک با ذوق و علاقه خود رشته ای از معارف و علوم والای اسلامی را فرا گرفتند.

امام باقر علیه السلام شاگردان برجسته ای در زمینه های فقه و حدیث و تفسیر و دیگر علوم اسلامی تربیت کرد و شخصیت های بزرگی همچون محمد بن مسلم، زراره بن اعین، ابوبصیر، برید بن معاویه عجلی، جابر بن یزید، حمران بن اعین و هشام بن سالم که همگی از تربیت یافتگان مکتب آن حضرتند. آقای ترابی با استفاده از دو کتاب رجالی رجال شیخ طوسی و جامع الرواه، به عنوان نمونه، نام بیش از ۴۵۰ تن از شاگردان امام باقر علیه السلام را آورده است که در میان آنان اسم گرامی جعفر بن محمد امام صادق علیه السلام و حسین بن علی بن الحسین و عمر بن علی بن الحسین و زید بن علی بن الحسین برادران امام باقر علیه السلام و دو زن که از مکتب امام باقر علیه السلام به ره جسته اند، به چشم می خورد. [۴۲].

شاگردان امام باقر علیه السلام تنها شیعه نبوده اند، بلکه آن امام همام شاگردان فراوانی از اهل سنت نیز داشته است که بسیاری از آن ها در کتب صحاح سته معروفند و از امام باقر علیه السلام نقل حدیث نموده

اند. از جمله، سفیان ثوری، سفیان بن عینه و ابو حنیفه و ابن شهاب زهری و محمد بن من کدر و یحیی بن کثیر و اوزاعی و عبدالملک بن عبدالعزیز ...

جمع شاگردان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را تا شش هزار نفر نیز نوشته اند و گفته اند تنها در کوفه حدود ۹۰۰ راوی حدیث سرگرم درس و بحث بودند و همه از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل حدیث می کرده اند. [۴۳].

شاگردان امام باقر علیه السلام بعدها وارد سوریه، مصر، اروپا، و آفریقا شدند و آنچه را آموخته بودند، در آن جا نشر دادند و اگر امروز آثاری از اسلام و حقایق آن در آن اماکن می بینیم سرچشمه گرفته از درس و بحث امام باقر علیه السلام و امام صادق علیهما السلام است. [۴۴].

سیره امام باقر علیه السلام

زندگانی علمی امام باقر

اشاره

آفتاب بهترین گواه و شاهد بر خود است. حال اگر کسانی مانند خفاش نتوانند و یا از روی تعصب نخواهند از درخشش آن بهره برند، خود از روشنایی و نور محروم شده و از این فیض بزرگ بی نصیب مانده اند.

امام باقر علیه السلام از چهره های تابناک و درخشانی است که هر دانشمند و اندیشمند محققى را به سوی خود جذب کرده است. شیعیان، که جای خود دارند، او را بزرگ ترین پایه گذار نهضت علمی در آن عصر و زمان تاریک می دانند که همچون خورشید از افق امامت طلوع کرد و از سرچشمه های زلال علم و معرفتش دل های تشنه جویندگان علم و معرفت سیراب شدند حتی کسانی را که نسبت به شیعه نظر مساعدی نداشته اند، در

برابر جایگاه علمی و عملی امام باقر علیه السلام با دیده تحسین و تکریم نگریسته و سر فرود آورده اند. کتب و مؤلفات دانشمندان و مورخان اهل تسنن، مانند طبری، بلاذری، خطیب بغدادی، ابونعیم اصفهانی و کتبی مانند: موطأ مالک، سنن ابی داود، مسند ابوحنیفه، مسند مروزی، تفسیر زمخشری، و ده ها کتاب نظیر این ها، که از مهم ترین کتب عالم تسنن هستند، پر از سخنان پر مغز پیشوای پنجم اند و همه جا جمله «قال محمد بن علی و یا قال محمد الباقر» به چشم می خورد. [۴۵].

اینک درباره شخصیت علمی امام باقر علیه السلام به چند نمونه از گفتار دانشمندان شیعه و سنی به گونه گذرا اشاره می کنیم.

عبدالله بن عطای مکی می گفت:

ما رأیت العلماء عند احد قط اصغر منهم عند ابی جعفر و لقد رأیت الحکم بن عیینة معجلالته فی القوم بین یدیه كأنه صبی بین یدی معلمه. [۴۶].

علما را در محضر هیچ کس کوچک تر از محضر ابوجعفر علیه السلام ندیدم.

حکم بن عیینة با تمام عظمت علمی اش در میان مردم، در برابر آن حضرت، مانند دانش آموزی و کودکی در مقابل معلم به نظر می رسید. [۴۷].

ابواسحاق وقتی مقام والا و اعجاب انگیز علمی امام باقر علیه السلام را دید گفت: «لما مثله قط»؛ یعنی کسی را مانند او ندیده ام. [۴۸] ذهبی درباره شخصیت علمی امام باقر علیه السلام می نویسد:

او از کسانی است که میان علم و عمل و آقایی و شرف و وثاقت و متانت را جمع کرده و برای خلافت شایسته است. [۴۹].

ابو زهره می نویسد:

امام باقر علیه السلام وارث امام سجاد علیه السلام

در امامت و هدایت مردم بود. از این رو، علمای تمام بلاد اسلام از هر سو به محضرش می شتافتند و کسی از مدینه دیدن نمی کرد، جز این که به خدمت او شرفیاب می شد و از علوم بی پایانش بهره ها می گرفت. از بزرگان فقه و حدیث بسیاری کسان به قصد بهره گیری علمی پیش حضرتش می آمدند. [۵۰].

محمد بن من کدر که یکی از محدثان معروف اهل سنت است، در عظمت امام باقر علیه السلام گفته است:

من جانشین علی بن الحسین، از میان فرزندان او، که نزدیک ترین آنان به او از نظر علم و فضیلت هم می بایست باشد ندیده بودم تا روزی که به محضر فرزندش محمد باقر علیه السلام رسیدم. [۵۱].

فراوانی و گستردگی روایات امام در زمینه های فقه، اعتقادات و علوم دیگر اسلامی، سبب شد که محدثان اهل سنت نیز از آن حضرت نقل حدیث کنند. یکی از معروف ترین آن ها ابوحنیفه است. او با این که بیش تر احادیث وارده از طریق اهل سنت را نمی پذیرفت، روایات زیادی را از طریق اهل بیت و به ویژه امام باقر علیه السلام نقل کرده است. [۵۲].

در میان امامان شیعه پس از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سند بیش ترین قسمت روایات به امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام می انجامد و این به دلیل موقعیت سیاسی جامعه آن روز بوده که این دو امام بزرگوار بیش از امامان دیگر فرصت نشر علوم آل محمد علیهم السلام را پیدا کردند از این رو درباره امام باقر علیها السلام گفته اند که از فرزندان حسن علیه السلام و حسین

علیه السلام آنچه در زمینه تفسیر، کلام و فتوا و احکام حلال و حرام از آن حضرت صادر شده، از کس دیگری صادر نشده است. [۵۳].

نقل است که ابرش کلبی از هشام بن عبدالملک پرسید: «این کیست که مردم عراق او را در میان گرفته و مشکلات علمی خود را از او می پرسند؟» هشام گفت: «این پیامبر کوفه است، خود را پسر رسول خدا و شکافنده علم و مفسر قرآن می داند.» [۵۴].

محمد امین سویدی می نویسد:

معارفی که از ابوجعفر الباقر در زمینه علوم دین و سنن و سیره ها و فنون ادب در میان جامعه اسلامی ظاهر گشت از هیچ یک از فرزندان حسین علیه السلام آشکار نشد. مناقب و ارزش های شخصیت وی بسیار است که کتابی چون سبائک، مجال و گنجایش طرح همه آن ها را ندارد. [۵۵].

محمد بن عبدالفتاح حنفی در کتابش آورده است:

محمد بن علی بن حسین بن ابی طالب علیه السلام است که باقر نامیده شد و واژه باقر در لغت به معنای شکافنده زمین برای آشکار ساختن گنج ها و پنهانی های آن است. وی را از آن رو باقر نامیدند که گنج های پنهان معارف و حقایق احکام و حکمت و لطایف را ظاهر می ساخت. این حقیقتی است آشکار که جز بر کوردلان مخفی نیست. [۵۶].

آری، آوازه علوم و دانش ها و معارف امام باقر علیه السلام چنان بر اقطار کشور اسلامی سایه افکنده بود که لقب باقرالعلوم را به خود اختصاص داد. و باز ابن حجر هیتمی می نویسد:

محمد باقر علیه السلام به اندازه ای گنج های پنهان معارف و دانش ها را آشکار

ساخته و حقایق احکام و حکمت ها و لطایف دانش ها را بیان نموده که جز بر عناصر بی بصیرت یابد سیرت پوشیده نیست و از همین جا است که وی را شکافنده و جامع علوم، و برافرازنده پرچم دانش خوانده اند. [۵۷].

شگفت آن که با این همه فضایل و مناقب امام باقر علیه السلام، ابن سعد در طبقات الکبری گفته است: «ابوجعفر محمد بن علی ... کان ثقه کثیر العلم و الحدیث و لیسیروی عنه من یحتج به.» [۵۸] که می توان آن را حمل بر تنگ نظری و بی انصافی و کمال بی خردی دانست و نیز موضع گیری فکری یا سیاسی در قبال بینش امامیه اولاً کرسی تدریس امام باقر علیه السلام از نظر گستردگی کم نظیر بوده است. ثانیاً بسیاری از اصحاب و شاگردان و روایان احادیث آن حضرت، از چهره های مشهور و شناخته شده و معتبر رجال حدیث هستند که از آن ها کسانی را می توان دید که مورد اعتماد و قبول عامه اهل سنت اند، از آن جمله، اوزاعی از رجال صحاح سته و عمر بن دینار از رجال صحاح سته یحیی بن کثیر از رجال صحاح سته و ... [۵۹].

تربیت شاگردان

اشاره

امام باقر علیه السلام شاگردان بسیاری تربیت کرد. برخی از محققین و اهل نظر گفته اند که افقه شاگردان و روایان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شش نفرند که از اصحاب هر دو امام علیه السلام بوده اند و آن ها عبارتند از: زراره بن اعین، معروف الخربوذی المکی، ابو بصیر الاسدی، فضل بن یسار، محمد بن مسلم الطایفی، یزید بن

معاویه العجلی. [۶۰] امام صادق علیه السلام می فرماید:

مکتب ما و احادیث پدرم را چهار نفر زنده کردند. این چهار نفر عبارتند از: زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجلی. اگر اینان نبودند کسی از تعالی مدین و مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله بهره ای نمی یافت. این چند نفر حافظان دین و امین پدرم در بیان حلال و حرام و احکام دین بودند. این چهار نفر از میان شیعیان زمان ما نخستین کسانی بودند که با مکتب ما آشنا شدند و در روز رستاخیز پیش از دیگران به ما خواهند پیوست. [۶۱].

ما اینک شرح حال و زندگی مختصری از برخی از آن ها را به دست می دهیم.

جابر بن یزید جعفی

جابر در پرتو مکتب امام باقر علیه السلام به مراتب علمی بالایی رسید تا جایی که در شأن و رتبه او گفته اند: جابر دریایی بود که آب آن فرو نمی خشکید و باب علم در روزگار خود و حجت خدا بر مردم از سوی حجت خدا امام ابی جعفر علیه السلام بود؛ شخصیتی که حافظ هفتاد هزار حدیث بود. [۶۲].

وی گفته است که پنجاه هزار حدیث در سینه دارم و هنوز یکی از آن ها را نقل نکرده ام. [۶۳] چون جابر، جامعه را برای بیان پاره ای از حقایق نامساعد می دید، دم فرو می بست و احادیث فراوان در سینه او که گنجینه علوم و اسرار بود، همچنان باقی می ماند. وجود تشنه او آنچنان از احادیث آل محمد علیه السلام سیراب گشته بود که می گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم آنقدر از اسرار و علوم

خود به من آموخته اید که دیگر تاب آن ها را ندارم، امام باقر علیه السلام فرموده بود: «ای جابر، هر گاه چنین احساسی را داشتی به صحرا برو و گودالی حفر کن، و سرت را در آن بنما و بگو امام باقر علیه السلام چنین و چنان گفت. [۶۴].

زیاد بن ابی الحلال می گوید: در مورد احادیث جابر در میان محدثان و راویان اختلاف افتاد. خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و از آن حضرت پرسیدم. امام فرمود: «خدا جابر بن یزید جعفی را رحمت کند. او در نقل احادیث ما صادق و راستگو بود. خدا مغیره بن سعید را لعنت کند. او اخبار دروغ را با احادیث ما می آمیخت.» [۶۵].

جابر با استفاده از منبع پر فیض وجود مبارک امام باقر علیه السلام کتب متعددی از خود باقی گذاشت و شیعه و سنی روایات او را پذیرفته اند.

محمد بن مسلم

محمد بن مسلم از شخصیت های بزرگ و شاگردان زبده امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود. یکی از محدثین و راویان ارزشمند شیعه که نامش همواره در کتب حدیثی شیعه از درخشش خاصی برخوردار است، هموست. درباره او نقل کرده اند که سی هزار حدیث از امام پنجم و شانزده هزار حدیث از امام ششم آموخت. [۶۶].

محمد بن مسلم به پایه ای از علوم و کمال رسید که می گفتند: در میان شیعیان هیچ کس از محمد بن مسلم داناتر و فقیه تر نیست. [۶۷] هشام بن سالم، که خود از راویان حدیث است، می گوید: در هر موضوعی که من و زراره، اختلاف پیدا می کردیم، از محمد بن

مسلم سؤال می کردیم و او در جواب آنچه را از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شنیده بود، نقل می کرد. [۶۸].

محمد بن مسلم اهل کوفه بود و مدت چهار سال در مدینه اقامت گزید. در این زمان کوتاه چونان از محضر امام باقر علیه السلام و سپس امام صادق علیه السلام بهره ها برد که ابن ابی یعفور از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: روزی به امام صادق علیه السلام عرض کردم، من همیشه نمی توانم خدمت شما شرفیاب شوم، گاهی شیعیان مسائلی از من می پرسند که در پاسخ آن عاجز می مانم. امام صادق علیه السلام فرمود: «چرا از محمد بن مسلم ثقفی سؤال نمی کنی؟! او احادیث ما را از پدرم شنیده و مورد توجه و علاقه پدرم بود. پدرم از او رضایت داشت.» [۶۹].

محمد بن مسلم کتابی به نام اربع ماه مسأله (چهار صد مسئله) تألیف نموده بود که گویا پاسخ چهار صد مسئله ای بوده که از پیشوای پنجم و ششم شنیده بود. [۷۰] بزرگان اهل سنت مشکلات علمی خود را از محمد بن مسلم می پرسیده اند.

زراره بن اعین

زراره از شخصیت های بزرگ و اصحاب خاص امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است. او یکی از چهار نفری است که امام صادق علیه السلام ضمن ستایش آن ها فرمود:

مکتب ما و احادیث پدرم را چهار نفر زنده کردند که عبارتند از زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم، برید بن معاویه عجللی. اگر اینان نبودند کسی از تعالیم و مکتب پیامبر علیه السلام بهره ای نداشت. اینان حافظان دین و امینان پدرم

در بیان حلال و حرام و احکام دین بودند. [۷۱].

زراره آنقدر در مسائل علم کلام تبحر داشت که متکلمان شیعه، شاگردان مکتب او محسوب می شدند. علامه حلی در شأن او می گوید:

زراره فقیه بود، قاری قرآن بود، متکلم بود، شاعر و ادیب بود. همه خصلت‌های اخلاقی و دینی در او جمع بود و در آن جا که روایت می کرد صادق و راست بود. [۷۲].

حمران بن اعین

او نیز مانند برادرش زراره بن اعین و برادر دیگرش عبدالملک بن اعین و برادرزاده اشبکیر بن اعین مورد وثوق و احترام امام باقر علیه السلام بود. شاگردان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام هر کدام در رشته ای و یا رشته هایی که مورد علاقه و ذوق آن ها بود تبحر پیدا می کردند. حمران بن اعین افزون بر مقام معنوی که امام باقر علیه السلام به او می فرمود: «تو از شیعیان و پیروان ما در دنیا و آخرت هستی.» [۷۳] در علوم قرآنی و ... دارای مقامی عظیم بود به طوری که دانشمندان بعدی در مورد قرائت قرآن و مباحث علوم قرآنی به نظریه های او استناد می جستند و هشام بن سالم می گوید: «در محضر امام صادق علیه السلام بودیم، یک مرد شامی وارد شد و درباره کیفیت قرائت قرآن پرسش ها و شبهاتی داشت. امام صادق علیه السلام او را به حمران بن اعین ارجاع دادند و فرمودند: «اگر حمران را محکوم کردی، مرا محکوم کرده ای!» و مرد شامی در مقابل سخنان مستدل حمران چاره ای جز تسلیم ندید. [۷۴].

ابان بن تغلب

او شخصیتی بود که محضر سه امام - حضرت سجاد علیه السلام، حضرت باقر علیه السلام، حضرت صادق علیه السلام را درک کرده بود و از هر سه امام روایت می نمود. فردی ثقه و جلیل القدر بود. امام باقر علیه السلام خطاب به او فرمود:

اجلس فی مسجد المدینه و افت الناس فانی احب ان یكون فی شیعتی مثلک. [۷۵] در مسجد مدینه بنشین و مردم را فتوا بده من دوست دارم در شیعیانم کسانی مثل تو

باشند.

مرگ ابان دل امام صادق علیه السلام را به درد آورد. سخن دلنشین امام باقر علیه السلام در مورد ابان و تأثر و اندوه امام صادق علیه السلام در مرگ ابان بن تغلب حاکی از مقام بلند علمی و معنوی او است. [۷۶].

برید بن معاویه عجلی

برید شخصیتی والا مقام بود، فقیه و ثقه و جزو برجسته ترین شاگردان امام باقر علیه السلام بود و به قدری در بعد معنوی و امانت بالا بود که امام باقر علیه السلام او را فردی امین و حافظ دین خدا می خواند. [۷۷] برید همواره همراه امام علیه السلام بود و از محضرش بهره می برد.

مبارزه های علمی و نمونه هایی از معارف امام باقر

اشاره

امام باقر علیه السلام در زندگی پر بار و درخشانش نه تنها به تربیت شاگردان و گسترش علم و دین همت گمارد و از آن فرصت طلایی کمال استفاده را نمود، بلکه مبارزه پیگیر و بی امانی علیه بحران های فکری و فرهنگی راه انداخت که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دامن گیر جامعه مسلمان آن روز شده بود.

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، دست جامعه از دامان عترت کوتاه شد و تنها قرآن باقی ماند. با این که در قرآن آمده است «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» [۷۸] ای پیامبر! قرآن را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر حکم و قانون هر چیز باشد. ولی این بدان معنا نیست که قرآن، معلم و مفسر لازم ندارد و اگر چنین می بود، پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث معروف ثقلین بدان گوشزد نمی نمود. جامعه آن روزگار چون از روش ها و ملاک های صحیحی برای استنباط احکام و معارف قرآنی برخوردار نبود، در حقیقت از محتوای قرآنی فاصله گرفت و قرآن را نیز از دست داد. پیدایش ارتدادها و افکار انحرافی چون گروه خوارج و تفسیر به رأی ها و ... همه دلیل گویا و روشن بر نارسایی

دانش بشر برای پی بردن به معارف قرآن است. از این رو، وجود امام ضرورت می یابد و امام باید باشد تا راه را از چاه نشان دهد. امام بزرگراهی است که هیچ انحرافی در آن نیست. علمش بزرگراه علوم است نه خطای علمی دارد و نه خطای عملی و به گفته امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «ما خزانه داران [اسرار و معارف الهی] و درهای علم و عملیم.» [۷۹].

نخستین وظیفه امام احیای دین است و جامعه را متدین کردن است، قرآن را احیا نمودن است، معارف و علوم و حقایق قرآن را برای مردم تفسیر و تبیین نمودن است.

امام باقر علیه السلام نزدیک به یک قرن پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به امام ترسید جامعه آن روز بر اثر جدایی از عترت به انحرافات فکری و عقیدتی فراوانی دچار شده بود. امام علیه السلام با آن بیان زیباییش به مبارزه علیه اندیشه های منحرف برخاست [۸۰] که نمونه هایی از آن را در این جا ذکر می کنیم.

موضع گیری علیه عقاید و افکار خوارج

امام باقر علیه السلام می فرمود: به این گروه مارق [خوارج] [۸۱] باید گفت: «چرا از علی علیه السلام جدا شدید، با این که مدت ها در فرمان او بودید و در رکابش جنگیدید و نصرت و یاری وی زمینه تقرب شما را به خداوند، فراهم می آورد؟!»

آن ها خواهند گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام در دین خدا حکم کرده است، یعنی در جنگ با معاویه حکمیت را پذیرفته است. به آنان باید گفت: خداوند در شریعت پیامبر حکمیت را پذیرفته و آن را به دو مرد از بندگانش وانهاده است؛ آن جا که فرمود:

«فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها ان يريدا اصلاحاً يوفق الله بينهما» [هرگاه میان زن و شوهر اختلافی رخ می دهد و بیم می رود که به جدایی منتهی گردد، یک مرد از جانب شوهر و یک مرد از جانب زن به عنوان حکم فرستاده شوند تا اگر بنای اصلاح باشد، خدا آنان را توفیق عطا کند.] از سوی دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله در جریان بنی قریظه برای حکمیت، سعد بن معاذ را برگزید.

به خوارج باید گفت: آیا شما نمی دانید که وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام حکمیت را پذیرفت، به افرادی که حکمیت بر عهده آنان نهاده شده بود، فرمان داد بر اساس قرآن حکم کنند و از حکم خداوند فراتر نروند و شرط کرد که اگر حکم آنان خلاف قرآن باشد، آن را نخواهد پذیرفت؟! زمانی که کار حکمیت علیه علی علیه السلام تمام شد، برخی به آن حضرت گفتند: کسی را بر خود حکم ساختی که علیه تو حکم کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ گفت: من به حکمیت کتاب خدا تن دادم، نه به حکمیت یک فرد تا نظر شخصی خود را اعمال کند. اکنون به خوارج باید گفت: «در کجای این حکمیت، انحراف از حکم قرآن دیده می شود، با این که آن حضرت به صراحت اعلام کرد که حکم مخالف قرآن را رد می کند؟!»

در روایت دیگری هست که یکی از سردمداران خوارج مدعی بود که علی علیه السلام در جنگ نهروان برای کشتن خوارج، دچار ظلم شده است. او را به خدمت امام باقر علیه السلام راهنمایی کردند. امام علیه السلام روزی را برای

بحث مقرر فرمود و دستور داد فرزندان مهاجر و انصار هم بیایند. آن فرد خارجی با گروه خود به محضر امام باقر علیه السلام رسید. امام علیه السلام بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: ای فرزندان مهاجر و انصار، در میان شما هر کس فضیلتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می داند بلند شود و آن را بگوید.

حاضران هر کدام در فضیلت حضرت علی علیه السلام سخن ها ایراد کردند. مرد خارجی گفت: من فضایل علی علیه السلام را بیش از این ها می دانم، ولی این ها مربوط به زمانی است که علی علیه السلام هنوز حکمیت را نپذیرفته و با پذیرش حکمیت کافر نشده بود.

سخن در فضایل علی علیه السلام به حدیث خیبر رسید؛ آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

لا عطين الرايه غداً رجلاً يحب الله ورسوله و يحبه الله ورسوله، كراماً غير فرار لا يرجع حتى يفتح الله على يديه.

فردا پرچم را به کسی خواهم سپرد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند. بر دشمن همواره می تازد و هرگز از میدان نبرد نمی گریزد. او از رزم باز نمی گردد مگر با پیروزی و فتح خیبر.

امام باقر علیه السلام رو به مرد نمود و فرمود: درباره این حدیث نظرت چیست؟

مرد خارجی گفت: این حدیث درست است، ولی کفر پس از این مرحله پدید آمد.

امام باقر علیه السلام فرمود: آیا آن روز که خداوند علی را دوست می داشت، می دانست که او در آینده اهل نهروان را خواهد کشت یا نمی دانست؟

مرد خارجی گفت: اگر

بگویم خدا نمی دانست. کافر شده ام، پس ناگزیر باید اقرار کنم که خداوند می دانسته است.

امام باقر علیه السلام فرمود: آیا محبت خدا به علی علیه السلام از آن رو بوده که وی در خط اطاعت خدا حرکت می کرده یا به خاطر عصیان و نافرمانی بوده است؟!

گفت: مشخص است که دوستی خداوند به امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جهت اطاعت و بندگی وی بوده است، نه عصیان و نافرمانی او.

سخن که به این جا رسید مرد خارجی خود را مغلوب دید از جای خود برخاست و گفت: الله اعلم حیث يجعل رسالته. [۸۲] خداوند عالمتر است که رسالت و رهبری را در کجا قرار دهد.

موضع گیری علیه توهمات جبریه

مسئله بحث برانگیز جبر و اختیار از زمان های قدیم مورد توجه بوده است. در قرآن کریم نیز با دو دسته از آیات بر می خوریم؛ یک قسمت حاکمیت مطلق خدا را بیان می کند؛ مثل:

خواست، خواست خدا است و نیرویی جز به اتکای خدا وجود ندارد.

تضل بها من تشاء و تهدی بها من تشاء. [۸۳].

خداوند آن کسی را که بخواهد به وسیله آیات قرآن گمراه می سازد و هر آن کس را که بخواهد هدایت می کند.

و ما تشاؤون الا ان یشاء الله. [۸۴].

شما چیزی نمی خواهید مگر این که خداوند بخواهد.

و از طرف دیگر به آیاتی بر می خوریم که دارد:

و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون. [۸۵].

هر فردی به وسیله آنچه خود کسب کرده و انجام داده است مجازات می شود و آدمیان مورد ستم واقع نخواهند شد.

و لا تزر وازره وزر اخری. [۸۶].

در نظام داوری خداوند، هیچ کس سنگینی بار دیگری را بر

دوش نمی کشد.

در صدر اسلام به سبب دور افتادن از مکتب اهل بیت، معرفت دینی مردم خدشه دار گشته، به جهت این که تسلط بر مجموعه آیات قرآن نداشتند دچار افراط و تفریط شدند. گروهی به جبر رو آوردند و گروهی گرفتار تفویض شدند. [۸۷] این افکار در زمان امام صادق علیه السلام اوج بیش تری داشت، ولی از زمان امام باقر علیه السلام نشانه هایی از آن بروز نمود و جرقه هایی در اذهان مردم زده بود. امام باقر علیه السلام در رد نظریه جبر مطلق و اختیار مطلق می فرمود:

لطف و رحمت الهی به خلق، بیش از آن است که آنان را به انجام گناهان مجبور سازد، و سپس آنان را برای کارهایی که به اجبار انجام داده اند، عذاب کند. خداوند قاهرتر و نیرومندتر از آن است که چیزی را اراده کند و تحقق نیابد.

از امام باقر علیه السلام پرسیدند که مگر میان جبر و اختیار چیزی دیگر نیز هست؟ فرمود:

آری، میان جبر و اختیار گسترده تر از فضای آسمان ها و زمین است. [۸۸].

از مبارزات آن حضرت موضع گیری علیه تحریف گران [۸۹] و گروه مرجئه بود [۹۰] همچنین مباحثات و مناظرات آن حضرت با مخالفین من جمله با محمد بن منکدر، قتاده، طاووس یمانی، ابوحنیفه، حسن بصری و با بعضی از کیسانیه معروف است. [۹۱] و نیز بیان نمودن مسائل اعتقادی از طریق مباحثات علمی مثلاً توحید ذاتی و صفاتی [۹۲] و شناخت خدا و نهی از تفکر در ذات خدا و راه نیافتن تغییر در ذات خداوند [۹۳] و علم ازلی خداوند به حقایق امور [۹۴] و هزاران مسئله دیگر

همه و همه از مسئولیت های عمده آن حضرت بود که همواره به آن همت می گمارد و بیان آن فرصت بیش تری می طلبد.

ناگفته نماند مسلمانانی که تشنه بهره گیری از علوم اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و حقایق بودند، پروانه وار دور وجود امام باقر علیه السلام جمع می شدند و مسائل مختلف خود را در زمینه های مختلف از اصول اعتقادی (توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد) گرفته تا تفسیر و احکام و اخلاق و حتی در علوم طبیعی و طب و سایر علوم از آن حضرت می پرسیدند. امام باقر علیه السلام نیز یکی یکی آن ها را با سعه صدر جواب می فرمود که برخی جواب هایی که راویان اخبار روایت نموده و مورخین حفظ کرده اند، دانشمند معظم آقای احمد قاضی زاهدی در کتاب اسئله الناس و اجوبه الباقر علیه السلام گرد آوری نموده که کتاب بسیار خواندنی و ارزشمندی است.

زندگی عبادی امام باقر

عبادت

امام باقر علیه السلام نماز بسیار می خواند و چون سر از سجده بر می داشت، سجده گاهش از اشک چشمش تر بود. امام صادق علیه السلام فرموده است: پدرم در مناجات شبانه اش می گفت:

خدایا، فرمانم دادی نبردم، نهی ام کردی، اطاعت نکردم، اکنون بنده ات، نزد تو آمده و عذری ندارم.

وقتی وارد مسجد الحرام می شد، با صدای بلند می گریست. غلامش افلح می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «فدایت شوم، مردم به شما نگاه می کنند، آهسته تر گریه کنید.» فرمود: «وای بر تو ای افلح، چرا گریه نکنم، شاید خداوند از رحمت به من نگاه کند و فردای قیامت

بدین سبب نزدش رستگار شوم.»

دعاها و نیایش‌ها

دعاهای آن امام بزرگ علاوه بر این که حمد و تقدیس پروردگار عالم و شکر بر نعمت هایش را در بر دارد، چشمه‌ای جوشان از درس‌های توحیدی و اخلاقی است و آداب عالی انسانی را آموزش می‌دهد؛ مثلاً بعد از نماز عشاء این دعا را می‌خوانند:

اللهم بحق محمد و آل محمد، صلی الله علی محمد و آل محمد و لا تحرمنا فضلک، و لا تحل علينا غضبک، و لا تباعدنا من جوارک، و لا تنقصنا، من رحمتک، و لا تنزع عنا برکاتک، و لا تمنعنا عافیتک، و اصلح لنا ما اعطیتنا و زدنا من فضلک المبارک الطیب الحسن الجمیل، و لا تغیر ما بنا من نعمتک، و لا تؤیسنا من روحک، و لا تهن ابکرامتک، و لا تضلنا بعد اهدیتنا و هب لنا من لدنک رحمه انک انت الوهاب، اللهم اجعل قلوبنا سالمه و ارواحنا طیبه، و السنتنا صادقه، و ایماننا دائماً و یقیناً صادقاً، و تجارتنا لا تبور، ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا برحمتک عذاب النار. [۹۵].

خداوندا! به حق محمد و خاندان او، بر محمد و خاندانش درود فرست. خداوندا! ما را از لطف و فضل خویش محروم و بی بهره مدار و خشمت را بر ما جاری مکن و ما را از همسایگی خود دور مساز و از رحمت خود بر ما کم منما، و برکات خود را از ما جدا مساز، و سلامتی را از ما منعم نما، آنچه را به ما عطا کرده‌ای، سامان بخش و مایه صلاح ما قرار ده و از الطاف دیر پایت و از نعمت

های پاکیزه و نیکو و زیبایی ما را افزون عطا کن. به خاطر رفتار ناشایست ما، نعمت هایت را باز مگیر و تغییر مده. ما را از امداد و حمایت و لطف مایوس مگردان، به بزرگواری خویش، ما را خوار مگردان و پس از راهیابی به هدایت، ما را در گمراهی فرو مگذار و از جانب خویش رحمتی ویژه به ما ارزانی دار. همانا تو بخشش ها و الطاف بسیار داری. بارالها! قلب هایمان را سالم و دور از کبر و ریا و شقاوت قرار ده و روحمان را پاکیزه دار، و زبانمان را صادق و ایمانمان را همیشگی و پایدار و یقین ما را راستین و داد و ستدمان را بارور و بی شکست قرار ده. پروردگارا، هم در دنیا به ما نیکی عطا کن و هم در آخرت ما را از فرو افتادن در آتش دوزخ نگاه دار.

در روایت است که از دعا‌های با شکوه آن حضرت دعایی است که در زیر می آید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْبَعَنَا فِي جَائِعِينَ وَ أَرْوَانَا فِي ظَمَائِنٍ، وَ أَوَانَا فِي ضَاجِحِينَ، وَ حَمَلْنَا فِي رَاجِلِينَ، وَ آمَنَّا فِي خَائِفِينَ وَ خَدَمْنَا فِي عَانِينَ ... [۹۶].

مرحوم کلینی در کافی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «پدرم این دعا را همواره می خواند و ترجمانش چنین است:

حمد و ستایش ویژه خدایی است که از گرسنگان بودیم ما را سیر گردانید و از تشنگان بودیم سیرابمان کرد و از آوارگان بودیم پناهمان داد و پیادگان بودیم سوارمان کرد و هراسان بودیم ایمن مان داد و خسته بودیم یاری مان داد.

جلوه های کمال در وجود امام باقر

هیبت

نقل است یکی از همراهان هشام

بن عبدالملک خلیفه اموی، به هنگام حج، چون توجه و احترام مردم به آن حضرت را می بیند، تصمیم می گیرد با طرح سؤالی او را شرمند کند و چون نزد آن گرامی می رسد و چشمش به آن حضرت می افتد تنش به لرزه در می آید و رنگش می پرد و زبانش بند می آید. [۹۷].

آن حضرت در میان مردم از متواضع ترین آنان به شمار می آمد، ولی در مقابل ستمکاران شجاعانه می ایستاد و از حق و حقیقت دفاع می نمود. در مجلسی نزد هشام در حالی که در کنار او و بر تخت او نشسته بود، در پاسخ هشام، حقانیت خانواده خود را اثبات کرد هشام از پاسخ امام چنان به خشم آمد که صورتش سرخ شد و چشمانش برگشت. [۹۸].

رفتار با دوستان و مردم

آن حضرت می فرمود:

دوست داشتنی ترین کارها نزد خدا این است که مسلمانی، شکم مسلمانی را سیر کند، غمش را بزداید و دینش را ادا کند. [۹۹].

امام باقر علیه السلام لغزش های دوستان را نادیده می گرفت و می فرمود:

اصلاح امور زندگی و روش برخورد با مردم چون پیمانیه پری است که دو سوم آن زیرکی و یک سومش گذشت است. [۱۰۰].

اگر نیمه شب مهمانی بر او می رسید با مهربانی در به رویش باز می کرد و در باز کردن بار و بنه اش به او کمک می کرد. [۱۰۱] و با همه مهربان بود حتی با کسانی که نسبت به او رفتار بدی داشتند.

آن حضرت از تحقیر و کوچک شمردن مسلمانان نهی می فرمود و به غلامان و کنیزانش می گفت:

مستندان را گدا ننماید و آن ها را

با این نام نخوانید، بلکه آنان را به بهترین نام هایشان صدا بزنید. [۱۰۲].

مهمانی دادن

امام باقر علیه السلام غذا دادن به مؤمنین به ویژه شیعیان را بسیار مهم می شمرد و می فرمود:

کمک به خانواده یک مسلمان و سیر کردن شکمشان و بی نیاز کردن آن ها از مردم، برایم از هفتاد حج بهتر است. [۱۰۳].

خانه اش محل رفت و آمد و منزلگاه شیعیان، مسلمانان و غریبان بود. مهمان زیاد به خانه می برد و به آنان غذای لذیذ می داد.

کسب و کار

امام باقر علیه السلام اگر یاران خود را بیکار می دید، سفارش می کرد که به کاری مشغول شوند و می فرمود:

من کسی را که کار و کاسبی را رها کرده، به پشت بخوابد و بگوید، خدایا روزی ام ده، دشمن می دارم. [۱۰۴].

خود آن حضرت حتی در هوای گرم تابستان عرق ریزان به باغ و مزرعه خویش می رفت و کار می کرد.

سخاوت و بخشش

بسیاری کسان به امید بهره مندی از جود و کرمش به سویش می شتافتند و هیچ یک ناامید بر نمی گشتند. [۱۰۵] هر کس به خانه اش می آمد، بیرون نمی رفت، مگر آن که غذایش می داد و لباس نیکویش می پوشاند و مبلغی به او می بخشید. [۱۰۶] و می فرمود:

نیکی، فقر را می زداید و بر عمر می افزاید و از مرگ بد پیشگیری می کند. [۱۰۷].

حلم و صبر و شکیبایی امام باقر

از بارزترین صفات ابوجعفر امام باقر علیه السلام صفت صبر و بردباری آن حضرت بود.

نقل کرده اند که مردی نا مسلمان (نصرانی) که از امام باقر علیه السلام کینه داشت، روزی به آن حضرت برخورد نموده و بنای بدگویی را آغاز کرد. و گفت: تو بقر «گاو» هستی. امام علیه السلام با آرامش خاصی فرمود: من باقرم، مجدداً گفت تو فرزند زنی آشپز هستی! امام فرمود این حرفه او بوده است مرد نصرانی با گستاخی بیشتر گفت تو فرزند زنی سیاه چرده و زنگی و ... هستی! امام علیه السلام فرمود اگر تو راست می گویی و مادرم آن گونه که تو توصیف می کنی بوده است، پس از خداوند می خواهم او را بیامرزد، و اگر ادعاهای تو دروغ و بی اساس است، پس از خداوند می خواهم که تو را بیامرزد! مرد نصرانی که حلم و صبر آن حضرت را مشاهده کرد علی رغم اینکه پایگاهی بزرگ در اجتماع دارد و دارای صدها شاگرد می باشد به جای مقابله به مثل، چون کوه صبر و حلم بکار برد. خود را شکست خورده دید و از گفته های خود عذرخواهی نمود و اسلام آورد.

همه ائمه طاهرین از اهل بیت علیهم السلام چنین بودند و در مقابل تمام سختی ها و دشواری ها صبر پیشه می کردند و برای دیگران در این زمینه نیز نمونه بودند. امام حسین علیه السلام وقتی شدت مصیبت ها او را محاصره کردند و بر سر او و خاندان پاکش خیمه زدند، فرمود:

صبراً علی قضائک یا رب لا معبود سواک.

زندگانی سیاسی آن حضرت (معاصر بودن با چند تن از خلفای اموی و مروانی)

خلفای پیش از امامت امام باقر

خلفایی که پیش از امامت امام باقر علیه السلام حکومت کرده اند با توجه به این که امام باقر علیه السلام در صحنه کربلا سه یا چهار سال از عمر شریفش می گذشته، عبارتند از: معاویه بن ابی سفیان، یزید بن معاویه، معاویه بن یزید، مروان بن حکم بن ابی العاص و عبدالملک بن مروان.

جنايات معاویه و یزید برای همگان روشن است. حکومت یزید بیش از سه سال و چند ماه دوام نیافت. معاویه بن یزید، که در هنگام مرگ پدر ۲۲ سال داشت، تن به حکومت نداد و با روش پدر و جدش مخالف بود و بعد از مدتی کوتاه مرد. [۱۰۹].

حکومت بنی امیه با مرگ معاویه بن یزید به مروان بن حکم منتقل شد. مروان چند ماه حکومت کرد و حکومت مروانیان را بنا نهاد که همه آن ها غیر از عمر بن عبدالعزیز در ستمگری و خود کامگی شهره آفاق بودند. مروان کسی است که همراه پدرش، مورد خشم پیامبر قرار گرفت و از مدینه به طائف تبعید شد. مروان در زمان خلیفه اول و دوم همچنان در طائف تبعید بود، ولی در زمان خلیفه سوم به سبب خویشاوندی نزدیکی که با او داشت، حکم تبعیدش لغو شد و به مدینه آمد و

مشاور عثمان شد. مروان چنان به ستمگری پرداخت که مؤمنان زندگی پر مشقی را می گذراندند و علی بن ابی طالب علیه السلام آشکارا در محافل عمومی، دشنام داده می شد. [۱۱۰].

پس از مروان بن حکم، فرزندش عبدالملک مروان حاکم شد. او قبل از رسیدن به خلافت خود را فردی قرآن دوست نشان می داد.

زمانی که به حکومت رسید، قرآن را کنار نهاد و گفت: «این آخرین دیدار من با تو است.» [۱۱۱] و ستمگری را آغاز نمود. کارگزاران سفاک و جنایتکار و خون آشامی چون حجاج بن یوسف ثقفی بر جان و مال و حیثیت مردم حاکم شدند.

خلفای معاصر با دوران امامت آن حضرت

اشاره

ولید بن عبدالملک (۸۶ - ۹۶)؛ سلیمان بن عبدالملک (۹۶ - ۹۹)؛ عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱)؛ یزید بن عبدالملک (۱۰۱ - ۱۰۵)؛ هشام بن عبدالملک (۱۰۵ - ۱۲۵)؛

ولید بن عبدالملک

پس از مرگ عبدالملک فرزندش ولید به خلافت رسید. در زمان حکومت او مرزهای سرزمین اسلام توسعه یافت و بخش هایی از هند، کابل، کاشمر و طوس و ... به کشور پهناور اسلامی پیوست. دامنه فتوحات تا اندلس پیش رفت و نیروهای نظامی اندلس از نیروهای تحت فرماندهی موسی بن نصیر، فرمانده سپاه اسلام، شکست خوردند و اندلس [۱۱۲] تحت سیطره مسلمین در آمد. اما عناصر خون آشامی چون حجاج در حکومت او صاحب قدرت بودند و جنایات خود را در پرتو خلافت و حکومت او عملی می ساختند. حجاج بیست سال قدرت را در دست داشت. کسانی که با شکنجه های او کشته شدند، جدا از آنانی که در جنگ ها کشته شدند، صد و بیست هزار نفر بودند [۱۱۳] در دوران حکومت ولید، سعید بن جبیر آن شخصیت ارزشمند شیعه، به جرم طرفداری از مکتب اهل بیت به شهادت رسید. علت شهادت امام سجاد سمی بود که به اشاره ولید به حضرت داده شد. ولید در ۴۳ سالگی پس از نه سال و هشت ماه حکومت مرد. [۱۱۴].

سلیمان بن عبدالملک

سلیمان فرصت پیدا نکرد تا ظلم و ستم را آن گونه که پیشینیانش عملی ساختند، به جامه عمل آورد ولی در حد خود دست به ظلم و جنایات زد و در پر خوری کم نظیر بود؛ مانند گرگی که پس از روزگاری گرسنگی به طعمه ای دست یافته بود. تنها چیزی که به آن فکر نمی کرد، مردم و اسلام و دین و قرآن بود.

در عصر سلیمان امر امامت پنهان بود و شیعیان نمی توانستند به طور آشکار با امام باقر علیه السلام ارتباط علنی داشته

باشند و پیروان خاندان پیامبر در این دوران به شدت تحت فشار بودند. [۱۱۵].

عمر بن عبدالعزیز

بعد از سلیمان، عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید و او در دوران خلافتش گام های مثبتی در کاستن از فشارهای سیاسی اجتماعی شیعه و اهل بیت برداشت. چون عمر بن عبدالعزیز در سال ۹۹ هجری به خلافت رسید، طی بخشنامه ای دستور داد لعن علی علیه السلام از منابر برداشته شود و فدک را به فرزندان فاطمه سلام الله علیها باز گردانند هر چند جانشینان معصوم پیامبر، حکومت او را مجاز و شرعی نمی دانستند و از این رو، او نیز در جزو طاغوتیان شمرده می شود، ولی امام باقر علیه السلام می فرمود: «عمر بن عبدالعزیز نجیب دودمان بنی امیه است.» [۱۱۶].

حکومت عمر بن عبدالعزیز حدود دو سال بود و گفته اند بنی امیه او را مسموم کرده اند.

یزید بن عبدالملک

پس از مرگ عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک به خلافت رسید و در ۲۹ سالگی درحالی که چهار سال و یک ماه حکومت کرده بود، در گذشت. [۱۱۷] دوران حکومت او یکی از سیاه ترین ادوار حکومت بنی امیه محسوب می شود. یزید بن عبدالملک، که پرورده دامان امویان بود، دشمنی عمیقی نسبت به امام باقر علیه السلام و خاندان او داشت. [۱۱۸] داستان دلباختگی او به معشوقه اش (حبابه) نشانگر عمق فاجعه حکومت نا صالحان بر سرنوشت مسلمانان است. او پس از مرگ معشوقه اش بدن وی را آنقدر نگه داشت تا بوی تعفن از آن ظاهر شد. پس از دفن معشوقه با فاصله کمی مرگ یزید بن عبدالملک فرا رسید. [۱۱۹].

هشام بن عبدالملک

با مرگ یزید عبدالملک، برادرش هشام بن عبدالملک بر مسند خلافت نشست. او مردی خشن، درشت خو و مال اندوز بود. [۱۲۰] او حدود بیست سال حکومت کرد دوره و زمان جنایت و استبداد او بیش تر بود و روزگار خلافت وی سخت ترین دوره برای امام باقر علیه السلام بود، زیرا در دوره خلفای قبلی، آن امام از مدینه به سایر شهرها جلب و احضار نشد. [۱۲۱] و نیز شیعیان در عصر او در تنگنای سختی بودند به طوری که به عنوان نمونه شخصیت بزرگ شیعه و محدث با ورع و زاهد جابر بن یزید جعفی به فرمان امام باقر علیه السلام مأمور به تقیه می گردد و سوار چوبی می شود و در کوچه های کوفه می چرخد و خود را به دیوانگی می زند تا جاننش سالم بماند و یزید بن علی بن الحسین را بعد از شهادت،

در حالی که عریان بود، به دار کشیدند و این نمایانگر شدت عداوت هشام نسبت به آل علی علیه السلام است. [۱۲۲].

شهادت امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام برای از بین بردن حاکمان، به قیام علنی روی نیاورد؛ زیرا شرایط را مناسب نمی دید و یاران کافی در اطراف خویش سراغ نداشت. البته آن حضرت منکر جهاد و مبارزه علنی و مسلحانه علیه حکام فاسد نبود؛ چنان که نقل است که فرموده است:

هر گاه به شمار اهل بدر (سیصد و سیزده نفر) گرد امام جمع شوند، بر امام واجب می شود که قیام کند و علیه حکومت به نبرد برخیزد. [۱۲۳].

ولی آن حضرت نفرت خود را همواره از فرمانروایان ناصالح آشکار می کرد و در بخشی از روایات با صراحت جباران را همواره نکوهیده است من جمله در روایتی آن حضرت از جد خویش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

دو گروهند که شفاعت من شامل آنان نخواهد شد: سلطان بیدادگر و مستبد و شخصی که در دین غلو و تندروی دارد و از باورهای دینی برگشته است و اهل توبه و بازنگری نیست. [۱۲۴].

بدینی امام باقر علیه السلام نسبت به حاکمان فاسد عصر خویش، چیزی نبود که از نظرها مخفی باشد یکی از افراد معروف نخب با شناختی که از امام باقر علیه السلام دارد و می داند که آن حضرت، عملکرد حاکمان عصرش را نادرست و ظالمانه می شمرد، به ایشان عرض می کند که من از زمان حجاج تاکنون والی بوده ام، آیا راهی برای توبه من هست؟ حضرت سکوت می کند. مرد سؤالش را تکرار می کند. امام می فرماید:

راهی برای

توبه نیست مگر این که هر حقی را از مردم ضایع کرده ای به آنان بازگردانی. [۱۲۵].

امام باقر علیه السلام شیعیان را از نزدیک شدن به سلاطین و حتی برقرار نمودن روابط اقتصادی با آنان منع می فرمودند. ابوبصیر می گوید از امام باقر علیه السلام درباره اشتغال به کار در امور حکومتی و استخدام در کارهایشان سؤال کردم. امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگز به خدمت آنان در نیاید حتی به اندازه یک مرتبه فرو بردن قلم در مرکب؛ زیرا هیچ کس به خدمت ایشان در نمی آید و از مزایای مادی آنان بهره ای نمی گیرد، مگر این که به همان اندازه به دین او لطمه می زنند. [۱۲۶].

آنچه در زندگی امام باقر علیه السلام و دیگر امامان می بینیم، این است که افزون بر ویژگی هایی که در شخصیت آنان بوده که موجب می شده حکومت های جور متعرض آنان شوند، بینش های سیاسی آنان باعث احساس خطر حاکمان می شده است. شخصیت اجتماعی تا زمانی که فاقد بینش خاص سیاسی باشد، مورد تعرض واقع نمی شود؛ مثلاً خطبه ای امام باقر علیه السلام در مکه ایراد نمودند، زمانی که هشام بن عبدالملک هم برای حج آمده بود. [۱۲۷] از جمله سخنان آن حضرت چنین بود:

ما خلفای الهی هستیم. پس آن کسی که از ما پیروی کند، سعادت مند است و کسی که ما را دشمن بدارد و با ما مخالفت کند، نگون بخت است.

هشام که صلاح ندید در چنان شرایطی متعرض امام باقر علیه السلام شود، آن حضرت و فرزند گرامی اش را به دمشق احضار نمود. [۱۲۸].

هشام بن عبدالملک با تدابیری زید

بن حسن را، که مدعی بود چون از نسل حسن بن علی علیه السلام است و امام باقر از نسل حسین بن علی علیه السلام است و او از نسل فرزند بزرگ تر است پس به امامت سزاوارتر است، علیه آن حضرت به کار گرفت. زید بن حسن نیز با تدبیری زین اسب را آغشته به سم کرد و از این طریق امام باقر علیه السلام را مسموم ساخت و به شهادت رسانید. بنابراین، هشام توانست به صورت مخفی و به وسیله فردی از خاندان علی علیه السلام آن حضرت را به شهادت برساند. [۱۲۹].

گزیده ای از روایات امام باقر علیه السلام

عالم یتفیع بعلمه افضل من سبعین الف عابد. [۱۳۰].

دانشمندی که از علمش بهره برده شود، بهتر از هفتاد هزار عابد است.

من علم باب هدی فله مثل اجر من عمل به، و لا ینقص اولئک من اجور هم شیئا، و من علم باب ضلاله کان علیه مثل و زر من عمل به و لا ینقص اولئک من اوزار هم شیئا. [۱۳۱].

هر که به مردم درسی از هدایت آموزد، مانند پاداش ایشان دارد بدون این که از پاداش آنان چیزی کم شود و کسی که به مردم درسی از گمراهی آموزد، مانند گناه ایشان بر گردنش افتد، بی این که از گناه آنان چیزی کم شود.

زکاه العلم ان تعلمه عباد الله [۱۳۲].

زکات علم این است که آن را به بندگان خدا بیاموزی.

العلم خزائن و المفاتیح السؤال، فاسألوا یرحمکم الله فانه یؤجر فی العلم اربعه السائل و المتکلم، و المستمع، و المحب لهم. [۱۳۳].

علم خزینه ها دارد که کلیدهایش پرسش است. پرسید که خداوند شما را رحمت کند. درباره علم چهار کس پرسنده و

پاسخ دهنده و شنونده و دوستار آنان ثواب می برد.

الکمال کل الکمال التفقه فی الدین، و الصبر علی النائبه و تقدیر المعیشه. [۱۳۴].

کمال انسان و نهایت کمالش دانشمند شدن در دین و صبر در بلا و میانه روی در زندگی است.

من طلب العلم لیباهی به العلماء او یماری به السفهاء، او یعرف به وجوه الناسف لیتبوء مقعده من النار، ان الریاسه لا تصلح الا لاهلها. [۱۳۵].

هر که علم جوید برای این که بر علما ببالد یا بر سفها ستیزد یا مردم را متوجه خود کند، در آتش دوزخ جای می گیرد و همانا ریاست جز برای اهلش شایسته نیست.

من افتی الناس بغير علم، ولا هدی لعنته ملائکه الرحمه و ملائکه العذاب، و لحقه وزر من عمل بفتیاه. [۱۳۶].

هر که ندانسته و رهبری نشده به مردم فتوا دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت کنند، و گناه آن که به فتوایش عمل کند، دامنگیرش شود.

لا یكون العبد عالماً حتی لا یكون حاسداً لمن فوقه و لا محقراً لمن دونه. [۱۳۷].

هیچ بنده ای، دانشمند نمی شود مگر این که به کسی که بالا دست او است، حسادت نرزد و کسی را که پایین تر از او است، تحقیر نکند.

والله لموت عالم احب الی ابلیس من موت سبعین عابداً و عالم یتنفع بعلمهائ فضل من الف عابد. [۱۳۸].

به خدای سوگند، مرگ دانشمند برای ابلیس بسی محبوب تر از مرگ هفتاد عابد است. و دانشمندی که مردم از دانش او بهره گیرند، از هزار عابد افضل است.

من طلب الدنيا استعفاً عن الناس وسعاً علی اهله و تعطفاً علی جاره، لقی الله عز و جلیوم القیامه و وجهه مثل

هر کس در طلب مال دنیا باشد تا از مردم بی نیاز شود و وسیله آسایش خانواده خود را فراهم سازد و به همسایگان نیکی کند روز رستاخیز چهره اش مثل ماه شب چهارده درخشان خواهد بود.

انما يعبد الله من يعرف الله، فاما من لا يعرف الله فانما يعبد هكذا اضلالا. [۱۴۰].

کسی می تواند به حق، عبادت خداوند را به جا آورد که به او معرفت داشته باشد و خدا را به درستی و شایستگی بشناسد و اما کسی که شناخت درستی درباره ذات مقدس او ندارد، خدا را همانند این مردم گمراه (به طور سطحی) عبادت می کند.

نام چند کتاب درباره امام باقر علیه السلام

کتاب های چاپی عربی

- ۱- الامام الباقر علیه السلام، گروه نویسندگان، چاپ دوم، تهران، مؤسسه البلاغ ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م، جیبی، ۵۷ص.
- ۲- الامام الباقر علیه السلام قدوه و اسوه، سید محمد تقی مدرس، تهران، رابطه الاخوه الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق، رقعی، ۷۲ص. این کتاب به فارسی ترجمه شده.
- ۳- الامام الخامس الامام محمد بن علی الباقر علیه السلام، گروه نویسندگان، مترجم: محمد عبدالمنعم خاقانی، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۰ ش، رقعی: ۲۷ص.
- ۴- عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۹، مولی عبدالله بن نور الله بحرانی اصفهانی (ق ۱۲ه) از بزرگان شاگردان علامه مجلسی، مقدمه و استدراک:

سید محمد باقر موحد ابطحی، قم مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۱۳ق، وزیری، ۵۲۸ص، این کتاب به فارسی ترجمه شده.

- ۵- حياه الامام محمد باقر علیه السلام، باقر شریف قرشی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م، وزیری ۲ج. این بهترین کتابی است که در زندگانی امام باقر علیه السلام به زبان عربی نگاشته شده و در دست ترجمه است.

کتابهای چاپی فارسی

- ۱- امام محمد باقر علیه السلام، امید امیدوار، قم، انتشارات شفق، ۱۳۵۶ش، جیبی، ۳۲ص.
- ۲- امام محمد باقر علیه السلام، میر ابوالفتح دعوتی، قم، انتشارات شفق، ۱۳۵۶ ش، وزیری، ۲۸ ص (مصور، ویژه نوجوانان) این کتاب به عربی در آمده است.
- ۳- پیشوای پنجم حضرت امام محمد باقر علیه السلام، گروه نویسندگان، چاپ مکرر، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۱ ش،

رقعی، ۲۷ ص، این کتاب به عربی ترجمه شده است.

۴- ترجمه جلد ۱۱ بحارالانوار، علامه ملا محمد باقر مجلسی، (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ق) ترجمه موسی خسروی تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۶ق، وزیری، ۲۶۷ ص.

۵- خزانه جواهر یا کلمات امام باقر علیه السلام، سید ابوالفضل رضوی برقی، تهران، شرکت سهامی

طبع کتاب، بی تا.

۶- دور نمایی از زندگانی امام محمد باقر علیه السلام، مهدی پیشوایی، قم انتشارات نسل جوان، بی تا جیبی، ۱۵۱ ص.

۷- ستارگان درخشان، سرگذشت حضرت امام محمد باقر علیه السلام، چاپ پنجم، تهران کتابفروشی اسلامیه، ۱۴۰۱ ق، جیبی، ۲۵۰ ص.

۸- ناسخ التواریخ، زندگانی امام پنجم حضرت باقر العلوم علیه السلام عباسقلی خان سپهر، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۱ ش، وزیری، حدود ۲۷۰۰ ص. این جامع ترین کتابی است که به فارسی درباره زندگانی امام باقر علیه السلام و ادوار مختلف آن نگاشته شده است. [۱۴۱].

پاورقی

[۱] ینایع الموده قندوزی، ص ۵۳۳.

[۲] رجال کشی، ص ۲۲۳.

[۳] مناقب، ج ۴، ص ۱۸۵.

[۴] اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۲؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۵۸؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۱۰؛ بحار، ج ۴۶، ص ۲۱۳.

[۵] اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۹۸.

[۶] کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲۹.

[۷] تذکره الائمه، لاهیجی ۱۲۵.

[۸] عوالم، ج ۱۹، ص ۳۲۰.

[۹] اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۹.

[۱۰] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

[۱۱] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۰.

[۱۲] المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۲۰۳.

[۱۳] اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۲؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۵۸؛ طبقات الکبیر، ج ۵، ص ۱۵۸؛ مناقب، ج ۴، ص ۲۱۰.

[١٤] احقاق الحق، ج ١٢، ص ١٥٤.

[١٥] مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٢١١.

[١٦] ارشاد مفید، ج ٢، ص ١٥٨؛ کشف الغمہ، ج ٢، ص ٣٣١.

[١٧] کفایہ الطالب، ص ٣٠٧.

[١٨] بحار، ج ٤٦، ص ٢١٥.

[١٩] اصول کافی، ج ٢، ص ٣٧٣.

[٢٠] بحار، ج ٤٦، ص ٢١٥؛ اثبات الهداه، ج ٣، ص ٤٠.

[٢١] بحار، ج ٤٦، ص ٢١٥.

[٢٢] بحار الانوار مجلسی، ج ٢٥،

ص ۴، روایت ۷.

[۲۳] بحارالانوار مجلسی، ج ۵۷، ص ۱۶۹، روایت ۱۱۲.

[۲۴] بحارالانوار مجلسی، ج ۲۴، ص ۵، روایت ۷.

[۲۵] اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۲، روایت ۲.

[۲۶] بحارالانوار، به نقل از کتاب فجر دانشها.

[۲۷] بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۵، روایت ۷.

[۲۸] ینایع الموده، ص ۴۴۰.

[۲۹] مراجعه شود به کتاب عوالم العلوم فی النصوص علی الائمه الاثنی عشر علیها السلام به نقل از کتاب عوالم العلوم و المعارف، ص ۲۶.

[۳۰] دائل الامامه، ص ۲۱۵؛ بحار، ج ۴۶، ص ۲۲۹؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۹۷.

[۳۱] بحار، ج ۴۶، ص ۲۲۲.

[۳۲] تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲۴.

[۳۳] لسان العرب.

[۳۴] بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۶.

[۳۵] ارشاد، ص ۲۶۲، به نقل از سیره پیشوایان، ص ۳۱۱.

[۳۶] سنن الدارمی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ تقييد العلم، ص ۱۰۶ و ۱۰۵.

[۳۷] تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳.

[۳۸] تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷.

[۳۹] تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷.

[۴۰] نقل از کتاب حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۲۹۴ - ۲۹۲.

[۴۱] دورنمایی از زندگانی امام باقر، ص ۹۷.

[۴۲] امام باقر علیه السلام جلوه امامت در افق دانش، ص ۶۳ تا ۷۴.

[۴۳] اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۴.

[۴۴] فجر دانشها، ص ۴۰۶.

[۴۵] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۹۵.

[۴۶] الامام الصادق و المذهب الاربعه، ص ۴۳۶.

[۴۷] كشف الغمه، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابن كثير البدايه و النهايه، ج ۹، ص ۳۱۱؛ ارشاد، ص ۲۸۰؛ مختصر تاريخ دمشق، ج ۲۳، ص ۷۹؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۵۰۷.

[۴۸] الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۴۴۵.

[۴۹] سير اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲.

[۵۰] الامام الصادق، ص ۲۲.

[۵۱] الاتحاف، ص ۱۴۵.

[۵۲] تذکره الحفاظ، ج

۱، ص ۱۲۷ به نقل از کتاب حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام.

[۵۳] بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۴.

[۵۴] بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۵۵.

[۵۵] سبائک الذهب، ص ۷۴.

[۵۶] جوهره الکلام، ص ۱۳۲ - ۱۳۵ به نقل از کتاب امام باقر جلوه امامت در افق دانش.

[۵۷] الصواعق المحرقة، ص ۲۰۱.

[۵۸] الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۴۹.

[۵۹] الامام الصادق و المذاهب الاربعه (۲۱)، ص ۴۴۰ - ۴۵۰.

[۶۰] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۱۱.

[۶۱] رجال کشی، ص ۱۲۵.

[۶۲] اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۷.

[۶۳] رجال کشی، ص ۱۷۱.

[۶۴] بحار، ج ۴۶، ص ۳۴۰.

[۶۵] بحار، ج ۴۶، ص ۳۴۱، ح ۳۱.

[۶۶] رجال کشی، ص ۱۴۹؛ مناقب، ج ۴، ص ۱۹۵.

[۶۷] من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۶۷۵؛ رجال کشی، ۱۹۷، و بحار، ج ۴۶، ص ۳۲۸، ح ۹؛ مناقب، ج ۴، ص ۲۰۰.

[۶۸] اختصاص مفید، ص ۵۳.

[۶۹] بحار، ج ۴۶، ص ۳۲۸، ح ۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۵، ح ۲۳.

[۷۰] مؤلفوا الشیعه فی صدر الاسلام، تألیف سید عبدالحسین شرف الدین، ص ۶۴.

[۷۱] رجال کشی، ص ۸۸.

[۷۲] رجال علامه حلی، ص ۷۶.

[۷۳] سفینه، ج ۱، ص ۷۶۸.

[۷۴] اختیار معرفه الرجال معروف به رجال کشی، ص ۱۷۷.

[۷۵] سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۲؛ رجال نجاشی، ج ۱، ص ۷۳.

[۷۶] رجال نجاشی، ج ۱، ص ۷۴.

[۷۷] رجال کشی، ص ۵۰۷.

[۷۸] نحل، آیه ۸۹.

[۷۹] نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳.

[۸۰] شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد کلام شما از شدت زیبایی مثل طلاست حضرت فرمود: کلام ما را به طلا تشبیه می کنی که سنگ است، این کلام از جای دیگر است، ملکوتی است. از سخنرانی آیه ۱

... جوادی آملی.

[۸۱] آنان که از زیر بار بیعت خود با علی علیه السلام خارج شدند.

[۸۲] کافی، ج ۸، ص ۳۴۹.

[۸۳] سوره اعراف، آیه ۱۵۵.

[۸۴] سوره انسان، آیه ۱۵۵.

[۸۵] سوره جاثیه، آیه ۲۲.

[۸۶] اسراء، آیه ۱۵.

[۸۷] جماعتی از فلاسفه و دانشمندان معتقد به اختیار انسانند و جماعتی نیز از آنان معتقد به عدم اختیار انسانند. جبرین دو شاخه اند، ۱- معتقد به وجود خدا ظاهراً می باشند. ۲- عده ای مادی مسلکند. گروه اول از جبرین می گویند افعال عباد یتحقق باراده الله خداوند که اراده می کند چیزی را انجام دهد، عبد محل اراده الهی قرار می گیرد عمل نماز در وجود او ظاهر می شود به اراده خداوند نه اراده عبد. هیچ موجودی از خود اراده ندارد تمام معلولات علم الله است اما گروه دوم می گویند تا علت تامه حاصل نشود معلول حاصل نمی شود کار به الله و توحید ندارد.

مسئله جبر و اختیار تاریخچه ای قدیمی دارد شاید تاریخش همراه با تاریخ انسان است که همواره انسان خود را میان دو انگیزه می بیند.

البته مسئله جبر و اختیار تنها یک مسئله فلسفی نیست بلکه یک مسئله عاطفی و اجتماعی و روانی نیز هست، بعضی برای تبرئه خود از گناهان به آن دست زدند مثل قول شاعر:

می خوردن من حق ز ازل می دانست

گر می نخورم علم خد اجهل بود

و یا برای رهایی از عذاب وجدان بدان روی آوردند. گاهی هم یکی سلسله مسائل سیاسی مردم را به آن وادار می نمود مثلاً شما که این وضع را دارید مقدر شما بوده، تا قیام مردم را بشکنند.

اما جواب جبریه بطور خلاصه، ما منکر

به نفوذ اراده خدا در همه چیز نیستیم.

اراده عبد را در طول اراده خداوند می دانیم، اگر گفتیم در عالم دو اراده کار می کند یکی خدا یکی هم عبد این شرک است. بلکه اراد الله ان اکون مختاراً خداوند اراده نموده است که من مختار باشم، اگر من مختار نباشم از حوزه مشیه الله خارج می شوم، من در مختار بودنم مجبورم، ولی در یکی از دو طرف در انتخابش مجبور نیستم، ان الله اراد ان یکون النار محرقه خداوند اراده نموده که آتش سوزاننده باشد، خداوند علیت را به آن داده است، بنابراین خداوند مرید بالذات است من مرید بالغیر. ثانیاً علم خداوند علت عصیان بنده نمی تواند باشد. مثل معلمی می داند که این شاگرد امسال قبول می شود آن دیگری رفوزه می شود، از تجربه اش این را به دست آورده معلم می گوید درس بخوانید، آیا می توان گفت آن معلم مقصر است و یقه او را بگیریم.

اگر سنگی به سر کسانی که قائله جبر هستند بزنیم میروند شکایت می کنند نمی گویند مجبور بودید. ثالثاً جمیع آیاتی که دلالت بر اوامر و نواهی دارند. مثل اقیمو الصلاة، لله علی الناس حج البیت. زیر بنای تکالیف اختیار است اگر منکر اختیار بشویم تکلیف معنی ندارد. و نیز جمیع آیاتی که دلالت بر امتحان دارد مثل اول سوره عنکبوت احسب الناس ان یتروکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون انسان بدون اختیار را امتحان نمی کنند.

تفویض یعنی «واگذار کردن» شرک است جبر هم انکار عدل است. الامر بین الامرین مذهب اهل بیت است و مرحوم کلینی در کافی، و فیض کاشانی در

وافی ج اول چاپ جدید ص ۵۳۹، باب جبر و القدر و الامر بین الامرین. مکتب اهل بیت نه جبر است و نه تفویض، بلکه امر بین الامرین است. حقیقت امر بین الامرین این است که بین دو وصف از صفات الهی جمع کنیم وصف اول توحید افعالی است و وصف دوم عدل است توحید افعالی می گوید لا مؤثر فی الوجود الا الله حتی افعال من هم به یک معنی فعل اوست و به یک معنی فعل من است. و صف عدل، اینکه خدا را عادل بدانند، اگر خداوند مرا مجبور نماید در عین حال عذاب کند با عدالت پروردگار نمی سازد. اگر این دو با هم جمع شد امر بین الامرین می شود.

مثال برای امر بین الامرین

قطار برقی و یا اتوبوس برقی را در نظر بگیریم، طرز کارش این است که یک رشته برق بصورت حلقه در سراسر مسیر او برقرار است، و قدرت را لحظه به لحظه از آن سیم می گیرد (مثل افاضه خداوند که لحظه به لحظه است، ممکنات در تمام عمر لحظه به لحظه نیاز دارند، حاجت و وابستگی ها دائمی است) اختیارش در دست مبداء مولد است و از طرف دیگر از نحوه استفاده از آن نیرو آزاد است می تواند افراد ممنوع را سوار کند و بیاورد و می تواند افراد غیر ممنوع را بیاورد. از نظر تکوین آزاد است ولی از نظر تشریح آزاد نیست، این حقیقت امر بین الامرین است، هم می توانیم به خودش اسناد بدهیم و هم می توانیم به مبداءش نسبت دهیم. گزیده ای از سلسله مباحث اصول آیه الله

مکارم.

[۸۸] کافی، ج ۱، باب جبر و قدر حدیث ۹.

[۸۹] بحار، ج ۴۶، ص ۳۲۲.

[۹۰] مرجئه فرقه ای بودند که ایمان را فقط به اعتقاد قلبی می دانستند و هیچ گناه و عمل غیر اسلامی را با ایمان منافی نمی دانستند این گروه فکری را بنی امیه برای تثبیت پایه های حکومت خود زیر پوشش دین بوجود آورده بودند.

[۹۱] عوالم، ج ۱۹، ص ۳۳۵ - ۳۰۲.

[۹۲] احتجاج، ۳۲۲.

[۹۳] اصول کافی.

[۹۴] توحید صدوق، ۱۴۱.

[۹۵] ائمتنا، ج ۱، ص ۳۸۲ نقل از کتاب الجنه الواقیه للداماد.

[۹۶] اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۴، روایت ۱۶؛ بحار، ج ۶۶، ص ۳۷۷، ج ۳۴.

[۹۷] بحار، ج ۴۶، ص ۲۹۸.

[۹۸] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۹.

[۹۹] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۶۵.

[۱۰۰] ابن سعد طبقات، ج ۵، ص ۳۲۲.

[۱۰۱] بحار، ج ۴۶، ص ۲۹۳.

[۱۰۲] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۶۰.

[۱۰۳] ثواب الاعمال، ص ۳۱۵، وسائل، ج ۱۶، ص ۴۴۳.

[۱۰۴] وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷.

[۱۰۵] ارشاد، ج ۲، ص ۴۳۸.

[۱۰۶] كشف الغمه، ج ۲، ص ۳۳۳.

[۱۰۷] مكارم الاخلاق، ص ۱۷۸.

[۱۰۸] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۰۷؛ اعيان الشيعة، ج ۱، ص ۶۵۳.

[۱۰۹] كامل ابن اثير، ج ۳، ص ۶۰۵.

[۱۱۰] اثبات الوصيه، ۱۴۶ - ۱۴۷.

[۱۱۱] تاريخ الخلفاء، ۲۱۷.

[۱۱۲] امويان موفق شدند تا اندلس را به رنگ اموی در آوردند، همچنان که توفیق آن را یافتند تا در دل مردمان اندلس بیزاری از تشیع را وارد کنند: این وضعیت در تمام طول مدت خلافت امویان با شدت و حدت ادامه داشت (کتاب نفع الطیب، ج ۳، ص ۴۰۹ به نقل از کتاب تشیع در اندلس).

[۱۱۳] مروج

الذهب، ج ٣، ص ١٦٦.

[١١٤] مروج الذهب، ج ٣، ص ١٥٦.

[١١٥] اثبات الوصية، ١٥٣.

[١١٦] سيوطى تاريخ الخلفاء، ص ٢٣٠.

[١١٧] مروج الذهب، ج ٣، ص ١٩٥.

[١١٨] اثبات الوصية، ١٥٤.

[١١٩] مروج الذهب، ج ٣، ص ١٩٩.

[١٢٠] مروج الذهب، ج ٣، ص ٢٠٥.

[١٢١] الخرائج و الجرائح، ج ١، ص ٢٥٨.

[١٢٢] مروج الذهب، ج ٣، ص ٢١٩.

[١٢٣] بحار، ج ١٠٠، ص ٤٩.

[١٢٤] بحار، ج ٧٥، ص ٣٣٦.

[١٢٥] بحار، ج ٧٥، ص ٣٢٩.

[١٢٦] فروغ كافي، ج ٥، ص ١٠٦.

[١٢٧] نور الابصار، ص ٢٩٠.

[١٢٨] اصول كافي، ج ٢، ص ٣٧٦.

[١٢٩] الخرائج و الجرائح، ص ٦٠٤.

[١٣٠] جامع السعادات، ج ١، ص ١٤٠؛ تحف العقول، ص ٢١٤.

[١٣١] اصول كافي، ج ١، ص ٣٤.

[١٣٢] اصول كافي، ج ١، ص ٤١.

[۱۳۳] الخصال، ص ۲۲۶.

[۱۳۴] اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲.

[۱۳۵] اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷.

[۱۳۶] اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲.

[۱۳۷] تحف العقول، ص ۳۳۷.

[۱۳۸] حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۸۳.

[۱۳۹] جامع السعاده، ج ۲، ص ۲۰.

[۱۴۰] اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجّه، ص ۲۵۴.

[۱۴۱] ناصرالدین انصاری قمی، کتابنامه امام باقر علیه السلام، قابل ذکر است که نام کتابهای فراوانی هم به صورت چاپی و هم خطی، به زبان اردو، فارسی، عربی در کتابنامه امام باقر علیه السلام به چشم می خورد مراجعه شود.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

